

Research Article

Jurisprudential and legal examination of the effects of changes in the contract in accordance with the Convention on the International Sale of Goods

Farman Safari^۱, Mahbobeh Abdullahi^۲, Hasan Heydari^۳

Received: ۲۰۲۲/۰۷/۲۶

Accepted: ۲۰۲۲/۱۱/۱۲

Abstract

The fact that the exchange is known and the necessity and fulfillment of the promise is one of the basic conditions for the correctness of the transaction in Iran's legal system and the convention on the International Sale of goods. It is possible that due to changes in the circumstances and conditions at time of the conclusion of the contract, it may become impossible and difficult for the obligee to perform the contract. You have to think of a solution to prevent loss and contract dissolution. It is unfair to one side and the other side is impossible. The obligation to fulfill a difficult and impossible obligation causes undue harm to one party and causes unnecessary harm to the other party, and disturbs the balance of the exchange, which is not fair and is prohibited based on the rule of "harmless" and "negation of Hardship and embarrassment" to prevent loss and liquidation unavoidable contracts are a solution that should be considered. Adjusting the price of the contract is the best solution for balance of the exchange, which does not have a clear view in the Iranian legal system and the convention, because the customary profit is expected by the parties. That the fundamental and unforgivable changes are in custom, but through general legal principles such as the principle of good faith, principle of non-harm, the negation of difficulty and embarrassment, price reduction, renegotiation, price adjustment and contract can be deduced judicially. Floating price should not be confused with price adjustment. In price adjustment, the price is fixed during the conclusion of the contract and it is clear that the price will be adjusted when the fundamental change is realized. The basis of an objective criterion, such as the market rate of the day or custom, or a personal criterion such as reference to an expert's theory or Arbitration and the agreement of the parties, is addressed. In this article, the changing condition of the situation and its examples and the difficulty of implementing and adjusting the regulation and negating it in a way that does not conflict with the principle of the need to know the changes are discussed, and includes the abstract, keyword, the main body of article, conclusions, sources, and references. It is hoped that it will be used by legislative authorities and the legal community and will be included in the general rules and in the contract of condition and in the laws and regulations in terms of consideration to convert. It has a great impact in resolving disputes.

Keywords: Balance of exchange, floating price, difficulty of contract execution, convention of international sale of goods

^۱ - PhD student, Department of Private Law, Khuzestan Science and Research Campus, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

^۲ - Assistant Professor, Department of Law, Dezful Branch, Islamic Azad University, Dezful, Iran. (corresponding author) abdolahi10@gmail.com

^۳ - Assistant Professor, Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Department, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

مقاله پژوهشی

بررسی فقهی و حقوقی آثار تغییر اوضاع و احوال قرارداد در تطبیق با کنوانسیون بیع بین المللی کالا

فرمان صفری^۴، محبوبه عبداللهی^۵، حسن حیدری^۶

چکیده

معلوم بودن عوضین و لزوم و وفای به عهد از شرایط اساسی صحت معامله در نظام حقوقی ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا است ممکن است در اثر تغییر شرایط اوضاع و احوال زمان انعقاد قرارداد، اجرای قرارداد برای متعهد غیرممکن و دشوار گردد الزام به ایفای تعهد دشوار و غیر ممکن موجب ضرر ناروا برای یک طرف و دارا شدن بی جهت طرف دیگر شده و تعادل عوضین برهم می زند که منصفانه نیست و بر اساس قاعده "لاضرر" و "نفی عسر و حرج" منع شده است برای جلوگیری از ورود ضرر و انحلال عقود ناگزیر چاره‌ای باید اندیشید تعدیل قرارداد و ثمن آن که یکی از آثار تغییر اوضاع و احوال و بهترین راهکار برای تعادل عوضین و بقای قرارداد و طرق جبران خسارت است که می توان در نظام حقوقی ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا مطابق اصول و مواد قانون مدنی قابل پذیرش دانست. به جهت اینکه، کسب سود عرفاً در عقود معاوضی مورد انتظار طرفین است تغییرات متعارف نباید خللی در لزوم و ایفای تعهدات قرارداد بوجود آورد مگر اینکه تغییرات بنیادین و غیر قابل مسامحه در عرف باشد لکن از طریق اصول کلی حقوقی مثل اصل حسن نیت، قاعده لاضرر، نفی عسر و حرج، تقلیل ثمن، مذاکره مجدد می توان تعدیل قرارداد و به تبع آن تعدیل ثمن و فسخ قرارداد که از آثار تغییر اوضاع و احوال قرارداد است، استنباط و توجیه کرد و در قوانین و محاکم قضائی به کار برد. در تعدیل ثمن، ثمن در حین انعقاد قرارداد مشخص و معلوم است لکن با تغییر اساسی و بنیادین، بر اساس معیار عینی، مثل نرخ بازار روز یا عرف و یا معیار شخصی همانند ارجاع به نظریه کارشناس یا داوری و توافق طرفین می توان تعدیل کرد. بر اساس اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها درج شرط تعدیل قرارداد و ثمن آن در ضمن عقد بهترین پیشنهاد است که و مانع انحلال و فسخ قرارداد و به مفاد قرارداد عمل می شود. در این مقاله به تغییر شرایط اوضاع احوال قرارداد و آثار و مصادیق آن و دشواری اجرا و ضابطه تعدیل قرارداد و ثمن بطوری که با اصل لزوم معلوم بودن عوضین در تعارض نباشد، پرداخته می شود.

واژگان کلیدی: تغییر اوضاع و احوال قرارداد، تعادل عوضین، حسن نیت، عسر و حرج، کنوانسیون بیع بین المللی کالا

^۴ - دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، پردیس علوم و تحقیقات خوزستان، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

^۵ - استادیار، گروه حقوق، واحد دزفول، دانشگاه آزاد اسلامی، دزفول، ایران. (نویسنده مسئول)

^۶ - استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

در قراردادهای مستمر و بلند مدت از جمله قراردادهای سفارش ساخت و تولید کالا و حتی قراردادهای آبی و کوتاه مدت امکان تغییر شرایط اوضاع و احوال زمان انعقاد قرارداد با زمان اجرای آن در اثر عوامل اقتصادی و سیاسی مانند تورم، تحریم، نوسانات نرخ ارز، جنگ و تغییر قوانین و مقررات وجود دارد اجرای چنین قراردادهای با تحقق شرایط موصوف با قاعده "نفی عسر و حرج" و "لا ضرر" و "با" اصل لزوم و وفای به عهد "در تعارض می باشد در راستای حل این تعارض باید ضابطه ای برای تغییر اوضاع و احوال در نظر گرفت که تحقق کدام شرایط غیر قابل مسامحه در عرف است که عدم اجرای آن و یا به عبارت دیگر تعدیل ثمن با اصل لزوم و وفای به عهد در معارض نباشد. ممکن است که تغییر شرایط اوضاع و احوال حالات متعددی را در قراردادهای بوجود آورد که منشاء اختلاف نظرها و دیدگاهها و تفاسیر مختلف گردد. ماده ۷۹ کنوانسیون بیع بین المللی کالا و مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی ایران به چنین وضعیت ها اشاره دارد گاهی تغییر شرایط و اوضاع و احوال، چنان موثر در عقد باشد که اجرای تعهدات را نه تنها دشوار می کند بلکه بطور کلی و مطلق اجرای قرارداد را غیر ممکن ساخته در این موقع قرارداد منفسخ و متعهد از ایفای تعهد معاف می شود و اجرای حکم متوقف می شود جای برای تعدیل ثمن باقی نمی ماند چون قراردادی وجود ندارد تا تعدیل شود. مثل حوادث غیر پیش بینی نشده و فورس ماژور. در برخی موارد تغییر شرایط اوضاع و احوال، اجرای تعهدات و تکالیف طرفین را با مشقت و دشواری مواجه می سازد که در ارتباط با اصل لزوم و وفای به عهد طرفین باید به تعهدات خود عمل کنند طرفین را در سر دوراهی قرار می دهد. طبق اصل لزوم و وفای به عهد طرفین ملاحظه تمامی جوانب و شرایط داخلی و بین المللی قرارداد را منعقد می نمایند باید به تعهدات خویش پایبند باشند. در صورتی که تغییر اوضاع احوال ضرری ناروا و غیر قابل مسامحه برای متعهد به بار آورد و اجرای تعهد با مشقت و دشواری مواجه شود در این صورت متعهد باید با حسن نیت شرایط سختی و مشقت بوجود آمده در قرارداد را به طرف قرارداد اعلام و دعوت به مذاکره مجدد بر اساس شرایط جدید کند در صورت توافق برای تعدیل، تعدیل ثمن بر اساس اصل حاکمیت اراده و توافق طرفین تعدیل می گردد در این صورت "تعدیل قراردادی یا ارادی" تحقق می یابد. در غیر این صورت هر یک یا هر دو طرف از دادگاه تقاضای تعدیل ثمن قرارداد را می نمایند دادگاه با بررسی شرایط حسب مورد حکم به تعدیل ثمن را با معیارهای عینی مثل قیمت نرخ روز بازار و عرف محل و یا معیار شخصی مانند راجع به نظریه کارشناسی و داوری اقدام می نماید این یک نوع "تعدیل قضائی" می باشد. اگر شرایط تعدیل فراهم نباشد موقت باشد تا رفع مانع اجرای تعهدات قرارداد معلق می شود و با رفع مانع اجرای قرارداد ادامه می یابد و در غیر این صورت طرفین حسب مورد حق فسخ قرارداد دارند. در برخی موارد قانون گذار بنا به مصالح اجتماعی و منافع عمومی باز بینی در مفاد قرارداد و ثمن آن لازم دانسته و اقدام به پیش بینی آن در قانون می کند این نوع تعدیل "تعدیل قانون" است. (بیگدلی، ۱۳۹۲: ۶۵) تعدیل ثمن در نظام حقوقی ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا با اصول کلی مانند "بند دو ماده ۷ کنوانسیون" و "تقلیل ثمن" و "وقوع فقهی" غبن حادث" و "شرط ضمنی قرارداد" قانونی منطبق می باشد و پذیرش آن هیچ مانع قانونی و شرعی ندارد امید است مقاله کمک ناچیزی به جامعه حقوقی در راستای بهره مندی مراجع قانون گذاری و تصویب آن طی مراحل قانونی و درج آن در قواعد عمومی قراردادهای به عنوان یک قاعده عمومی لحاظ شده و مانع فسخ و انحلال عقود نشود چرا که قصد مشترک طرفین تداوم و اجرای قرارداد است و تعدیل ثمن و قرارداد کمک شایانی به اجرای و ادامه قرارداد و مانع فسخ و انحلال عقود می شود.

۱- آثار تغییر شرایط اوضاع و احوال در فقه امامیه

بررسی مسئله در فقه از این جنبه ضروری و ارزشمند است که؛ ۱- بحث های تحلیلی و استدلالی و عمیق که توسط فقها صورت می گیرد. نظیر آن در سایر نظام های حقوقی در دنیا وجود ندارد ۲- عرف حقوقی ایران براساس قواعد و مبانی حقوق اسلامی شکل گرفته و رفتار مردم هماهنگ با آن تنظیم شده است و عرف نیز مرجعی مهم برای تفسیر قوانین و مقررات مدنی است.

۴۴

مبانی فقهی حقوق اسلامی

قراردادهای که وفق قوانین و مقررات موازین اسلامی تنظیم شده است که تشخیص آن برعهده شورای نگهبان می باشد منطقی است که برای یافتن حکم هر مساله در حقوق موضوعی کشور به مبانی فقهی و آراء فقها توجه کامل شود در غیر این صورت مادامیکه حکم مساله از این جهت توجیه درستی نشود در حقوق ما جایگاهی نخواهد یافت صدور حکم تعدیل ثمن در اثر تغییر شرایط اوضاع و احوال قرارداد از این قاعده مستثنی نیست براساس قواعد فقهی متعددی از جمله "قاعده نفی عسر و حرج" و "لا ضرر" و سایر موارد قابل توجیه است.

در فقه امامیه قاعده "نفی عسر و حرج و لا ضرر" از مبانی پذیرش نظریه تغییر اوضاع و احوال قرارداد است احکام اسلام بر پایه مشقت و دشواری نیست بلکه براساس عذوبت و مهربانی است از این رو هرگاه در نتیجه اجرای حکمی، مشقت و سختی نامتعارف بر مکلف و متعهد بوجود آید بنابر حکم ثانوی، حکم اولی ساقط شده متعهد از اجرای تکلیف معاف می شود، مبانی آن؛ ۱- آیات قرآن کریم ۲- روایات ۳- حکم عقل ۴- عرف و عادت است براین اساس، اصل تعهد از بین نمی رود بلکه رفع لزوم از تعهدات مشقت بار که متعهد را با دشواری و مشقت غیر از تعهدات زمان انعقاد قرار داد مواجه می سازد از این رو، خارج از مقدار حرج تعهد به قوت خویش باقی است در واقع اثر قاعده لا حرج تخفیف تکلیف است. خداوند متعال در آیه ۶ سوره مائده می فرماید؛ "ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج و لکن یرید لیطهرکم". خدا نمی خواهد شما را در تنگنا و سختی قرار دهد لکن می خواهد شما را مطهر کند برخی مفسران واژه "حرج" را به معنی سختی و تنگنا و ضیق معنی کرده است و در بعضی از موارد کنایه از سختی و دشواری کرده است واژه "عسر" نیز متضاد "یسر" است و در معنی صعب، تنگ، دشوار، بدخویی، مشکلو سخت بکار می رود چنانچه خداوند در سوره طلاق آیه ۷ فرمودند؛ "سیجعل الله بعد عسر یسراً" پس معنای عسر عبارت است؛ صعوبت، مشقت، و شدت است که در فارسی به دشواری و سختی تعبیر می شود. (محقق داماد، ۱۳۹۳: ۷۹)

در ارتباط با "قاعده لا ضرر" آنچه هدف غایی از انعقاد عقود مغایه ای و معاوضی اهمیت دارد کسب سود و منفعت است در یک رابطه قراردادی کسب سود برای یک طرف معمولاً به معنی ضرر برای طرف دیگر است ولی گاهی وقوع حوادث ناگهانی و غیرمنتظره و برهم خوردن تعادل اقتصادی موجب ضرر ناروا و غیرمتعارف برای یک طرف می گردد بر همین اساس در فقه امامیه به عنوان یکی از استوارترین قواعد فقهی از ضرر نهی شده است. در مفهوم و معنا ضرر نظرات متعدد ارائه شده است که عبارت است از؛ خلاف نفع، سوء حال، نقص در حق، نقص در مال و آبرو و جان.

آنچه حائز اهمیت است باتمسک به فهم عرفی و بنای عقلاً و مستنبط از ادله شرعی در باب لا ضرر، هرکجا که حکمی در دید عرف ضرری باشد اعم از احکام تکلیفی یا وضعی ضرر نفی شده است بر همین اساس چنانچه در اثر تغییر اوضاع و احوال و دگرگونی شرایط اقتصادی، تعادل و توازن قراردادی به هم خورده باشد و الزام به انجام تعهد مستلزم ورود ضرر غیرمتعارف و ناروا به متعهد گردد در عرف ضرر محقق و بنابه قاعده لا ضرر حکم ضرری یعنی الزام به انجام تعهد

مرفوع است و برای زبان دیده حق فسخ بوجود می آید هرچند ایرادی به این نظر شده است که قاعده لاضرر نفی کننده حکم ضرری لزوم قرارداد است نتیجه آن ایجاد فسخ برای متضرراست و این قاعده مفاداً دلالت بر وجود حق تعدیل قرارداد و ثمن ندارد به تعبیری قاعده لاضرر نفی حکم می کند نه اثبات حکم. یعنی قاعده لاضرر تعدیل قرارداد و ثمن آن را اثبات نمی کند. در پاسخ به این ایراد گفته شده است که هرچند در هیچ یک از آراء و نظرات فقهای امامیه صراحتاً به وجود حق تعدیل قرارداد توسط قاضی به استناد قاعده لاضرر اشاره نشده است اما در تعدیل قرارداد توسط قاضی کاربرد قاعده لاضرر در نفی لزوم قرارداد ضرری و اثبات حکم تعدیل قرارداد توسط قاضی به استناد اصول دیگری به دست می آید در واقع قاعده لاضرر لزوم قرارداد ضرری را رفع می کند و در چنین وضعیتی قاضی به استناد ادله دیگری حکم به تعدیل قرارداد و ثمن آن می کند. (حیدری فرد، ۱۳۹۶: ۱۱۲)

قانونگذار ایران با استناد به قاعده "لا حرج" و "لا ضرر" همگام با مقتضیات زمان با پذیرش دو اثر ۱- انحلال ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی ۲- تعدیل حکم تعهداتی را که در مسیر اجرا با دشواری روبه رو می گردد، تبیین کرده است. اگر انجام تعهد موقتاً دشوار گردد دادگاه براساس قاعده "انظار معسر" به شرط عدم تضرر متعهدله حکم به تعلیق اجرای قرارداد قرار داده است تعلیق اجرای حکم به صورت موقتی برای متعهد یک نوع تعدیل قرار داد اعطای مهلت و صدور قرار اقساطی برای پرداخت تعدیل ثمن محسوب می شود. مبنای قاعده انظار معسر سوره بقره، آیه شریفه ۲۸۰ "و ان كان ذو عسره فنظرة الى ميسره" صدور اعسار و تقسیط معسر از پرداخت محکوم به در مقررات حقوقی ناشی از این قاعده است در این قاعده توزیع ضرر حادث میان طرفین و تعدیل هزینه های غیر متعارف اعمال می گردد.

اثر تعدیل، بر مبنای قاعده "المیسور لایترک بالمعسر" است به موجب این قاعده چنانچه اجرای قسمتی از تعهد مشقت بار باشد اصل تعهد با مابقی ساقط نمی گردد. در این خصوص به روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که به شکل جالب توجهی به تاثیر تغییر شرایط اوضاع و احوال اشاره می کند. بر طبق این روایت که از هارون بن حمزه غنوی نقل شده است مردی شتر مریضی را به ده درهم خرید و شخص دیگری را در برابر پوست و سر شتر شریک کرد ولی آن شتر خوب شد و قیمت اش به هشت دینار رسید شریک تقاضای سر و پوست شتر کرد و طرف دیگر به دلیل سالم شدن شتر و قابل استفاده بودن آن مخالفت کرد. نظر امام صادق (ع) را جویا شدند آن حضرت فرمودند؛ کسی که به دو درهم در پوست و سر شتر شریک شده، مالک خمس قیمت شتر است اگر بگوید من همان پوست و سر شتر را می خواهم از او پذیرفته نمی شود و نباید از او پذیرفت و او چنین حقی ندارد زیرا این امر ضرر زدن به طرف قرارداد است وقتی خمس قیمت شتر به او داده شود او به حق خویش رسیده است. (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰: ۱۳۲؛ یزدانیان، ۱۳۸۲: ۶۵) در روایت ذبح (نحر) شتر به معنای ضرر به طرف مقابل قرارداد است که مخالف کشتن شتر است و سالم شدن شتر همان تغییر اوضاع و احوال قرارداد را به تصویر می کشد که با تعدیل ثمن و پرداخت قیمت آن تعادل قرارداد بر قرارداد حاکم شد و هیچ کدام از طرفین قرارداد متضرر نشدند. می توان تعدیل ثمن با تغییر اوضاع و احوال استنباط کرد و در سایر عقود معوض و غیر معوض و مستمر و غیر مستمر ساری و جاری دانست.

۲- تغییر شرایط اوضاع و احوال مبانی و آثار آن در حقوق ایران

اصل لزوم و وفای به عهد و تعیین عوضین در قراردادها مطابق قواعد عمومی و اختصاصی و مواد ۲۱۹، ۲۲۷، ۲۲۹ قانون مدنی امری مسلم و غیر قابل انکار است مطابق این اصول هیچ یک از طرفین قرارداد نمی توانند از اجرای تعهدات قراردادی شانه خالی کرده و یا تغییری در مفاد آن ایجاد کنند مگر اینکه معاذیر ارادی، مانند شروط ضمنی عقد یا معاذیر

غیر ارادی، مانند تغییر اوضاع و احوال قرارداد صورت بگیرد این معاذیر، استثنائی بر اصول یادشده است. سکوت قانون ایران در خصوص "تعسر" نه "تعذر" در صورت تغییر اوضاع و احوال زمان قرارداد حقوقدانان را برآن کرده که عناوینی مختلفی مانند تغییر اوضاع و احوال، دشواری اقتصادی، عدم پیش بینی، عقیم شدن قرارداد، غیرممکن شدن اجرای قرارداد تعدیل قرارداد و ثمن آن را تبیین نمایند. در اصل ۴۰ قانون اساسی که مقرر می دارد: "هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد" با استناد به شرط ضمنی قراردادی شرط تبانی می توان نظریه تغییر اوضاع و احوال را در حقوق ایران پذیرفت. (صادقی مقدم، ۱۳۹۰: ۱۴۳)

در شرط ضمنی عقد شرط مندرج در عقد با مفاد آن پیوند دارد خواه به صراحت در عقد بیان شود و یا از طبیعت عقد، عرف و عادت و قانون به طور ضمنی استنباط شود. (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۸۷) طبق شرط ضمنی عرفی، متعاقدين همه موارد و شرایط را در قرارداد ذکر نمی کنند و یا نمی خواهند و یا نمی توانند آن را تصریح کنند این وظیفه عرف است که بعنوان مکمل و مفسر قرارداد عمل کرده و به قاضی در کشف قصد متعاقدين کمک کند. علی رغم اختلاف در شرط ضمنی عقد با استفاده از وحدت ملاک ماده ۲۲۰ و ۲۲۵ قانون مدنی اعتبار شرط ضمنی را می توان احراز نمود. ماده ۲۲۰ ق م بیان می دارد: "عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می کند، بلکه متعاملین را به کلیه را به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت و یا به موجب قانونی از عقد حاصل می شود ملتزم می باشد. و یا در ماده ۲۲۵ ق م مقرر می دارد: "متعارف بودن امری در عرف و عادت به طوری که عقد بدون تصریح هم منصرف به آن می باشد به منزله ذکر در عقد است. در تغییر شرایط اوضاع احوال علی رغم عدم تصریح در قانون ایران به تعدیل، تعلیق، انفساخ، حسب مورد شرایط در قراردادها اعمال می گردد مبنای آن حکم عقل، قانون، عرف یا طبیعت عقد است. (امامی، ۱۳۹۱: ۱۵۴) مقصود از شرط ضمنی یا شرط تبانی در خصوص تغییر اوضاع و احوال این است که طرفین قرارداد به هنگام انعقاد قرارداد به تعادل نسبی قرارداد نظر داشته و به طور ضمنی شرط کرده اند که در صورت تغییر اساسی اوضاع و احوال قرارداد مندرجات آن قابل تغییر باشد. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۱۲۵) بعبارت دیگر هریک از طرفین قرارداد تعهدی را به دیگری می دهد تا عوض متعادل آن را بگیرد و اصولاً تراضی طرفین بر همین اساس و مشروط به همین شرط است بنابراین نیازی به ذکر تعادل تعهدات طرفین در متن قرارداد نیست و این تعادل همراه قرارداد است. (فخارطوسی، ۱۳۹۷: ۷)

نظریه غبن حادث از مبنای دیگر تغییر اوضاع و احوال در حقوق ایران است. غبن در لغت به معنی خدعه، نیرنگ، خلاف واقع نشان دادن و نقض عهد آمده است. (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۸: ۱۹۰) در اصطلاح فقها، تملیک مال است به بیشتر از قیمت آن در صورت جهل طرف دیگر که شخص جاهل خیار فسخ خواهد داشت. در اصطلاح حقوقی، عبارت است از زیانی که در زمان معامله در نتیجه نابرابری فاحش بین ارزش عوضین به طرف جاهل می رسد بر این اساس جوهر غبن در عدم تعادل بین در عوض در زمان معامله است (عیوضی، ۱۳۸۶: ۱۳۷) مطابق آن در صورت عدم تعادل فاحش عوضین در زمان تراضی می تواند باعث خیار فسخ برای زیان دیده گردد از طریق قیاس اولویت به طریق اولی اگر در زمان اجرای قرارداد نیز تعادل عرفی تعهدات برهم بخورد از آنجا که مبنای خیار، جلوگیری از ضرر ناشی از عدم تعادل عوضین است امکان تعدیل یا فسخ وجود دارد و همچنین قاعده "لا ضرر" که طرفداران آن معتقدند هر جا حکمی در دید عرف ضرری باشد اعم از احکام تکلیفی وضعی ضرر نفی گردیده است بر همین اساس چنانچه در اثر تغییر شرایط اقتصادی، سیاسی اجتماعی، و غیره دگرگونی اوضاع و احوال تعادل و توازن قراردادی به هم خورده و الزام به انجام تعهد مستلزم ورود ضرر ناروا به متعهد گردد در عرف ضرر محقق شده است. عدم ذکر تعدیل ثمن در حقوق ایران با توجه

به شرط ضمنی قرارداد وحديث لا ضرر وقاعده نفی عسر و حرج وسایر قواعد حقوقی قابل استنباط است. به لحاظ سکوت قانون گذار در مورد قراردادهای که تحت تاثیر تغییر بنیادی شرایط اقتصادی وغيره قرار گرفته و وضعیت دشواری اجرای قرارداد محقق شده است، طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی ایران که در موارد سکوت یا ابهام اجرای قرارداد، یا جمال قانون به قاضی تکلیف شده که حکم قضیه را باتوجه به منابع معتبر و فناوری فقهی و اصول حقوقی پیدا کند در خصوص تغییر اوضاع احوال و مشقت اجرای قرارداد نظریه عام و کلی وجود ندارد ولی به صورت مصداقی و موردی می توان حکم قضیه در مواردی که اجرای تعهد با مشقت و دشواری نامتعارف یا ضرر ناروا همراه باشد به استناد قواعدی همچون نفی عسر و حرج ولا ضرر، حکم لزوم قرارداد را مرفوع دانسته وقائل به حق فسخ برای متعهد شد.

۳- آثار تغییر شرایط اوضاع احوال در حقوق ایران

موضع حقوق ایران در خصوص تعدیل ثمن در اثر تغییر اوضاع و احوال قرارداد روشن نیست اما آن را رد نکرده است با بررسی قوانین عام و خاص و شرایط عمومی پیمان وبخشنامه های معاونت برنامه ریزی ونظارت راهبردی رئیس جمهور می توان به اثر تغییر اوضاع و احوال در تعدیل قرارداد و ثمن که به سه صورت ۱- تعدیل قانونی ۲- تعدیل قضائی ۳- تعدیل قراردادی امکان پذیر است، دست یافت.

تعدیل در لغت به معنی برابری کردن چیزی با چیزی دیگر است هرگاه در جهت برابر ساختن تعهدات طرفین در قرارداد به هر طریق ممکن شروط اولیه قراردادی مفاد مورد تراضی آنان مورد تغییر قرار گیرد تعدیل صورت گرفته است. (بیگدلی، ۱۳۹۳: ۶۷) تغییر متن اصلی قرارداد متناسب با خواسته های جدید دو طرف با ضرورت های اجتماعی واقتصادی را تعدیل قرارداد می گویند. (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۱۲۵) در توضیح انواع تعدیل می توان گفت که اگر مفاد قرارداد به اختیار طرفین و یا به درخواست یکی از آنها در متن قرارداد یا پس از انعقاد قرارداد پیش بینی شده باشد به آن تعدیل قراردادی گفته می شود ممکن است تعدیل ثمن قرارداد دارای مبنای مشخص یا مجهول باشد مثلاً پیش بینی تورم وافزایش هزینه قرارداد وتعدیل قیمت آن بر اساس شاخص های معین، دارای مبنای مشخص است پیش بینی بدون تعیین شاخص مبنای مجهول دارد. (فخار طوسی، ۱۳۹۱: ۳۷) گاهی طرفین قرارداد در ضمن اجرای قرارداد متوجه می شوند به دلیل تغییر شرایط اوضاع و احوال نسبت به زمان انعقاد قرارداد ادامه انجام تعهدات برمبنای شرایط اولیه بسیار دشوار شده وموجب عسر و حرج است بنابراین با حسن نیت توافق می کنند که قرارداد را با توجه به اوضاع و احوال جدید حاکم بر آن متعادل نمایند در نفوذ و اعتبار چنین توافقاتی که قراردادهای فرعی یا متمم هستند هیچ تردیدی وجود ندارد زیرا تعدیل ثمن قرارداد اصلی نیز ناشی از قصد مشترک طرفین است. گاهی اوقات علی رغم اینکه طرفین قرارداد پیش بینی خاصی برای تعدیل ثمن قرارداد ندارند قانون گذار بنا به مصالح اجتماعی ومنافع عمومی باز بینی در مفاد قرارداد را لازم دانسته واقدام به پیش بینی آن در قانون می کند که این نوع تعدیل را تعدیل قانونی می گویند. (بیگدلی، ۱۳۹۳: ۶۵) این نوع تعدیل در جایی است که به موجب قانون به طور مستقیم انجام پذیرد یا در قانون به یکی ازدو طرف حق درخواست آن را بدهد. (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۱۴۴) ابلاغ بخشنامه های نحوه جبران آثار قیمت حامل های انرژی وجبران آثار افزایش نرخ ارز نمونه بارز تعدیل قانونی می باشد.

اگر قاضی به استناد حکمی کلی که در قانون آمده و به او چنین اختیار داده شود و یا با استنباط از مواد مختلف قانونی یا قواعد حقوقی پذیرفته شده، مفاد قرارداد منعقدہ بین طرفین را پس از نابرابر شدن تعهدات آنها در اثر حوادث غیر قابل پیش بینی مورد باز بینی وتغییر قرار دهد این نوع تعدیل، تعدیل قضایی است. بیان این نکته ضروری است که در تعدیل

قضای قرارداد، یا مستند قانونی مبنی بر امکان تعدیل وجود ندارد و یا آنچه در قانون مقرر شده بسیار کلی است به گونه‌ای که تشخیص وجود شرایط لازم برای تعدیل به عهده قاضی است. (بیگدلی، ۱۳۹۲: ۸۵)

در حقوق داخلی ایران علی‌رغم مخالفت صریح با تعدیل قرارداد و ثمن آن در مواد ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۱۹ قانون مدنی در قوانین خاص در ماده ۱۷۹ قانون دریایی ایران که مقرر می‌دارد: "هر قرارداد کمک و نجات که در حین خطر و تحت تاثیر آن منعقد شده و شرایط به تشخیص دادگاه غیر عادلانه باشد، ممکن است به تقاضای هریک از طرفین به وسیله دادگاه باطل و یا تغییر داده شود." در این ماده امکان تجدیدنظر در قرارداد به طرفین و به دادگاه داده شده است. در مواد ۲۷۷، ۶۵۲ و ۱۱۳۰ قانون مدنی برای نیل به عدالت معاوضی تعدیل قرارداد با تغییر اوضاع و احوال قابل استنباط است. ماده ۲۷۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد: "متعهد نمی‌تواند متعهد له را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نماید ولی حاکم می‌تواند به توجه به وضعیت مدیون مهلت عادلانه یا قرار اقساطی دهد. در شق دوم ماده مقام قضایی با درک این مطلب که، اجبار متعهد به پرداخت دین در موعد مقرر وی را دچار مشقت و سختی می‌کند که متناسب با شرایط مالی ایشان نیست در این ماده به علت اینکه مشقت و دشواری اجرای تعهد موقت بوده نه دایمی دادگاه حسب مورد حکم به پرداخت اقساطی کرده تا با رعایت حال و وضعیت مدیون با اعطای مهلت پرداخت و اقساط تعدیل قرارداد صورت می‌گیرد. نکته حائز اهمیت این که، وضعیت متعهد در زمان ادای دین ملاک عمل قرار می‌گیرد نه قبل از حلول موعد پرداخت دین، امکان دارد مدیون قبل از فرا رسیدن مهلت انجام تعهد وضعیت مطلوبی داشته باشد. نکته دیگر اینکه، تغییر اوضاع و احوال متعهد در نتیجه قصور خویش نبوده باشد و یا تغییرات ناشی از اقدامات متعهد نباشد. ماده ۶۵۲ قانون مدنی در عقد قرض قاضی برابر اوضاع و احوال برای مقتضی که توانایی پرداخت قرض را در موعد مقرر ندارد قرار اقساطی یا مهلت عادلانه اعطا می‌نماید. (صفایی، ۱۳۸۶: ۱۶۴)

عوامل مختلفی می‌تواند سبب تغییر وضعیت و احوال شرایط قرارداد گردد؛ از جمله ۱- تورم و آثار آن است. تورم پدیده پیچیده و دارای ابعاد گوناگونی است. در اصطلاح، تورم وضعیتی است که سطح عمومی قیمت‌ها به صورت مستمر و به مرور زمان افزایش می‌یابد. علی‌رغم تعریف مشخص و صریح آن، دیدگاه واحدی در رابطه با علل تورم وجود ندارد برخی اقتصاددانان رشد بی‌رویه حجم پول، برخی اضافه تقاضا در بازار، عده‌ای عوامل ساختاری و تنگناهای موجود در بخش‌های مختلف وضعف بخش‌های کشاورزی و تجارت خارجی را منشأ تورم می‌دانند تورم بالا و بی‌ثبات موجب اختلال در نظام تخصیص قیمت‌ها و برهم زدن توزیع درآمد در جامعه می‌گردد از سوی دیگر، بی‌ثباتی تورم نه تنها موجب خدشه دار شدن اعتبار سیاست‌گذاران کلان اقتصادی به ویژه بانک مرکزی می‌شود بلکه تداوم آن می‌تواند موجب بی‌ثباتی سیاسی کشور گردد که اجرای قراردادهای تجاری داخلی و بین‌المللی را تحت شعاع خویش قرار می‌دهد

از آثار تورم می‌توان، ایجاد مانع در سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و دولتهای خارجی و داخلی، نوسانات نرخ ارز و بی‌ثباتی اقتصادی نام برد که توان رقابت‌پذیری اقتصاد ملی را کاهش می‌دهد. ۲- تحریم به مجموعه اقدامات یک دولت یا جامعه بین‌المللی جهت ایجاد محدودیت‌های علیه یک کشور و یا یک گروه اشاره دارد و در زمینه‌های متعدد از جمله؛ اقتصادی، بانکی، خرید و فروش کالا و خدمات، سرمایه‌گذاری، انتقال دانش و فن و ورزشی... می‌گیرد. در اصطلاح تحریم عبارت است از، امتناع نظام یافته از برقراری روابط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی دولت یا گروهی خاص از دولت برای تنبیه یا ایجاد رفتار مورد قبول، به کار می‌رود کاربرد آن بیشتر در روابط اقتصادی بین‌المللی است و حسب مورد خریداری یا فروش کالا و خدمات تولیدی یا مورد تقاضای دولت خاص از او دریغ می‌شود. تحریم ممکن است عام یعنی

شامل همه کالا و خدمات یا خاص محدود به یک نوع یا دسته ای خاص از کالا باشد. (ایوانز، نونام، مترجم حمیرا مشیر زاده وحسین شریفی طراز کوهی، ۱۳۹۱: ۲۲۵) علی رغم اینکه در تحریم ها عنصری از تنبیه وجود دارد اما صرفاً به منظور ایجاد شرایط دشوار برای مردم کشور مورد تحریم نیست بلکه هدف از آن ایجاد تغییراتی در رفتار سیاسی دولت این کشور است. عده ای مهمترین کارکرد تحریم را بازدارندگی می دانند. (ظریف، ۱۳۹۷: ۱۱) تحریم ممکن است یک جانبه یا چند جانبه باشد منظور از تحریم یک جانبه، محدودیت ها و ممنوعیت هایی که یک دولت بر دولت دیگر یا دولت های وضع می کنند در این فرایند دولت ها جدا از قطعنامه های شورای امنیت به محدودیت یا قطع رابطه با دیگر دولت ها مبادرت می کند مانند تحریم نفتی ایران توسط کشور انگلستان در دوره مرحوم مصدق که از شاخص ترین موارد تحریم اقتصادی در جهان است. (یزدان فام، ۱۳۸۹: ۹) تحریم های چند جانبه، تحریم های بین المللی هستند که دولت ها در قالب تصمیم جمعی یا شورای امنیت سازمان ملل متحد بر اساس منشور ماده ۴۱ یا مانند اتحادیه اروپا بر دولت یا دولت های وضع می کند تحریم های اقتصادی برای اعمال فشار و سختی بر شهروندان عادی کشورهای بکار می رود و موجب تغییر بنیادی شرایط و اوضاع و احوال قرارداد داخلی و بین المللی شده حسب مورد موجب تعدیل، تعلیق، فسخ، انحلال قرارداد می شود. از آثار تحریم می توان به: ۱- افزایش قیمت ها ۲- کاهش تعداد مناقصه گران ۳- از بین رفتن فضای شفاف و رقابتی مناقصات اشاره کرد. اگر تحریم ها جزء فورس ماژور باشد به موجب ماده قانون برگزاری مناقصات ۱۳۸۳ موجب تجدید یا لغو مناقصه می گردد که می تواند دلیل بر تعدیل قرارداد و شروط آن محسوب گردد. (کاتوزیان، ۱۳۹۳: صص ۳-۳۳)

۳- تغییر فاحش نرخ ارز یکی از مصادیق تغییر اوضاع و احوال در قراردادها به شمار می آید. به این معنی، نرخ مبادله پول رایج یک کشور با پول سایر کشورها را در اصطلاح نرخ ارز می گویند نرخ ارز معمولاً براساس یکی از نظام های ثابت، متغیر، چندگانه یا مدیریت شناور تعیین می شود. سیاست تعیین نرخ ارز تنظیم کننده جریان ورود و خروج ارز در اقتصاد ملی است و از آن طریق میزان ورود و خروج کالا و خدمات و سرمایه بین یک کشور با سایر کشورها مشخص می شود. نرخ ارز و نوسانات آن یکی از عوامل مهم در تعیین هزینه های تمام شده واحدهای صنعتی است نوسانات نرخ ارز امکان برنامه ریزی را از واحدهای تولیدی گرفته و توان رقابتی آنها را کاهش می دهد کنترل نرخ ارز برعهده دولت است که براساس بند الف ماده ۴۱ فصل سوم قانون چهارم توسعه اتخاذ تدابیری برای مقابله با آثار سوء نوسانات نرخ ارز پرداخته شده که به آن کمتر توجه شده است. معمولاً افرادی که در معرض ریسک نوسانات نرخ ارز هستند از عملیاتی استفاده می کنند تا حاشیه سود خویش را افزایش داده و از زیان های پیش بینی نشده بین المللی جلوگیری کنند. (سبحانی و دیگران، ۱۳۹۳: صص ۳-۳۳)

۴- تغییر قوانین و مقررات داخلی یا بین المللی و دخالت دولتها می تواند از مصادیق تغییر اوضاع و احوال قرارداد باشد مثلاً با اجرای قانون هدفمندی یارانه و اصلاح قیمت حامل های انرژی، قراردادهای که قبل از ابلاغ این قانون با قیمت ثابت و مقطوع مبادله می شد با افزایش هزینه های اضافی مواجه شد لذا به دنبال این قانون، هیئت وزیران بخشنامه شماره ۳۴۶۴۳/۱۰۰ را در تاریخ ۱۳۹۱/۰۵/۰۱ با موضوع "نحوه جبران" ابلاغ نمود تا بتواند هزینه هایی اضافی تحمیل شده بابت ابلاغ قانون هدفمندی یارانه ها را جبران کنند. همچنین پس از افزایش نرخ ارز در سال ۱۳۹۱ به منظور جبران آثار این افزایش قیمت در قراردادها با قیمت مقطوع بخشنامه شماره ۸۰۷۷۶/۱۰۰ و ۹۲۱۵۳۰۲۴ را در تاریخ های ۱۳۹۱/۱۰/۱۱ و ۱۳۹۲/۰۶/۲۳ با موضوع "نحوه جبران آثار تغییر ارز در پیمان های فاقد تعدیل ابلاغ شد. معاونت برنامه ریزی و راهبردی رئیس جمهور، ابلاغ موافقتنامه، شرایط عمومی پیمان، ۱۳۷۸: ۸)

شرایط عمومی پیمان وضع قوانین ومقررات جدیدی که در تغییر مدت اجرای کار موثر است را بعنوان یکی از دلایل تمدید مدت پیمان مطرح کرده است بطور طبیعی هر قراردادی با توجه به قوانین جاری کشور تنظیم می شود چنانچه تغییر قوانین باعث دگرگونی در قرارداد شود باید آثار آن به صورت تعدیل یا هر گونه تغییر دیگر اعمال شود لذا شرایط عمومی پیمان تغییر در قوانین و مقررات را به عنوان یکی از مصادیق تغییر اوضاع واحوال قرارداد پذیرفته لیکن تنها تمدید مدت پیمان را برای آن پیش بینی کرده است تانفع متقابل طرفین وتعادل عوضین وقاعده لاضرر بر قرارداد وروابط طرفین حاکم شود وموجب توسعه اقتصادی طرفین وجامعه گردد.(معاونت برنامه ریزی وراهبردی رئیس جمهور، ۱۳۸۴: ۲)

۳- آثار تغییر اوضاع و احوال در کنوانسیون بیع بین المللی کالا

کنوانسیون بیع بین المللی کالا در ماده ۷۹ کنوانسیون به حوادثی طبیعی مانند سیل وزلزله وغیر طبیعی وارادی مثل جنگ، تحریم اقتصادی و تغییر مقررات داخلی کشورها اشاره می کندو از آنها به عنوان "مانع" یا "موارد رفع مسئولیت" یاد می کند. دیدگاه ها وتفاسیر مختلفی در این ماده وجود دارد که؛ ۱- عده ای معتقدند این ماده بر اساس تفسیر مضیق فقط غیرممکن مطلق شدن اجرای مانند فورس ماژور را در بردارد ۲- عده ای برخلاف نظریه قبل براساس تفسیر موسع اعتقاد دارند که این ماده هم شامل غیر ممکن شدن بطور مطلق اجرای قرارداد وهم شامل دشوار شدن اجرای قرارداد را شامل می شود یعنی "مانع" شامل هر دو می شود وبر اساس این تفاسیر دادگاه ها آرای متفاوتی صادر کرده اند. طبق دیدگاه اول ماده ۷۹ کنوانسیون به طرف قراردادی که با افزایش قابل توجه در هزینه های اجرا یا کاهش قابل توجه ارزش اجرای قرارداد در اثر تغییر اوضاع واحوال مواجه می شود؛ ۱- اجازه مطالبه مذاکره مجدد ۲- تعدیل قضایی ۳- فسخ قرارداد نمی دهد. با مذاقه در ماده ۷۹ کنوانسیون که مقرر می دارد "طرفی که هریک از تعهدات خود را ایفاء نکرده است چنانچه ثابت کند که عدم ایفاء بواسطه حادثه خارج از اقتدار بوده ونمی توان عرفاً از او انتظار داشت که در زمان انعقاد قرارداد آن حادثه را ملحوظ داشته یا از آثار آن اجتناب نموده یا آنها را دفع کرده باشد، مسئول نخواهد بود. یعنی ماده موصوف صرفاً به غیرممکن شدن اجرای قرارداد اشاره دارد دشوار شدن اجرای قرارداد مشمول ماده ۷۹ کنوانسیون بیع بین المللی کالا نیست. بر اساس دیدگاه دیگر ماده ۷۹ کنوانسیون "مانع" هر واقعه ای است که اجرای قرارداد را غیر ممکن ویا آن قدر دشوار می سازد که نمی توان به طور منطقی انجام آن را از متعهد انتظار داشت شامل تمامی موانع از جمله "موانع اقتصادی" می باشد با ملاحظه اصول مبنای ومواد کنوانسیون مانند اصول حسن نیت، معقولیت، استحکام وبقای قرارداد، ومواد ۵۰ کنوانسیون تقلیل ثمن، باز فروش کالا وفق بند یک ماده ۸۸، حق حبس طبق ماده ۸۵، تعلیق قرارداد طبق بند یک ماده ۷۱ و بند دو ماده ۷ کنوانسیون، وماده ۴ می توان حق مطالبه مذاکره مجدد وتجدیدنظرخواهی یا تعدیل ثمن که نمونه بارز طرق جبران خسارت در کنوانسیون است، را توجیه و مورد پذیرش قرار داد.

بندیک ماده ۷۹ کنوانسیون تحقق سه شرط بصورت همزمان و وجود رابطه سببیت بین آنها شرط موجب تحقق "مانع" اجرای تعهدات ومعافیت آن از مسئولیت دانست: ۱- خارج از اقتدار متعهد باشد ۲- غیر قابل پیش بینی باشد ۳- غیر قابل اجتناب باشد. که باتحقیق این سه شرط بطور همزمان اجرای تعهد غیرممکن ومتعذری گردد اشاره ای به "تعسر" اجرای قرارداد ندارد علی رغم اینکه کنوانسیون تفکیکی بین "تعذر" با "تعسر" نشده است اما منشاء تمامی اختلافات به عدم تفکیک بین این دو برمی گردد. تفاوت اساسی وآثار جداگانه ای بین "تعذر" و "تعسر" وجود دارد

در "تعذر" انجام تعهد بخاطر عدم امکان اجرای آن قرارداد منحل شده و به تبع آن تعدیل ثمن منتفی است لکن در "تعسر و دشواری" اجرای تعهد برای متعهد همچنان به قوت خویش باقی است تعهد باید انجام شود.

با توجه به اینکه کنوانسیون در صدد ایجاد وحدت رویه بوده تا مانع تشتت آراء و وحدت رویه گردد که چندان توفیقی هم نیافته و خلاء های وجود دارد و کماکان نظام هایی که قانون حاکم بر قرارداد را تشکیل می دهند به نحوی مقررات آن قانون با پدیده حوادث غیر مترقبه برخورد کرده و اثر کنوانسیون را کاهش می دهند از این رو ماده ۷۹ کنوانسیون کم ترین اثر را در جهت ایجاد حقوق متحدالشکل کردن قوانین در مقایسه با سایر مواد کنوانسیون داشته است. آنچه در کنوانسیون بیع بین المللی کالا حائز اهمیت است بند دو ماده ۷ کنوانسیون است که مقرر می دارد: "در مواردی که کنوانسیون تعیین تکلیف نکرده و یا به صراحت به آن اشاره نکرده است مثل تعدیل ثمن که از آثار تغییر شرایط اوضاع و احوال قرارداد است. در مرحله اول مساله مطابق با اصول کلی حقوقی که کنوانسیون مبتنی بر آن است تعیین تکلیف شود." در تعدیل ثمن در صورت تغییر اوضاع و احوال باید به اصول کلی کنوانسیون تمسک جست و آن را پذیرفت. با توجه به سکوت کنوانسیون مورد تعدیل ثمن، در چنین حالتی گفته می شود که موضوع با وضعیت "خلاء داخلی" یا "خلاء خارجی" یا "ترک فعل عمدی" مواجه شده است. اگر اصولی برای حل و فصل مساله مطرح شده احراز نشود خلاء داخلی وجود دارد در این صورت می توان به موجب قاعده حل تعارض قوانین حکم موضوع را بدست آورد در چنین حالتی گفته می شود که مسئله با وضعیت "خلاء خارجی" مواجه شده است. شرط رجوع به قاعده حل تعارض و قانون حاکم بر قرارداد، احراز عدم وجود اصولی که بتوان با آن مسئله را حل و فصل کرد، می باشد.

تفسیر رویکرد سکوت کنوانسیون در تغییر اوضاع و احوال در مقام بیان ترک فعل عمدی؛ به این معنا است که فروض مربوط به تغییر اوضاع و احوال از صلاحیت کنوانسیون مستثنی نیستند ولی کنوانسیون به صورت عمدی به آنها نپرداخته و برای آنها طریق جبرانی پیش بینی نکرده است. این تفسیر به این معناست که اگر بعد از انعقاد قرارداد در شرایط بازار تغییراتی رخ دهد که توازن قرار دادی را تغییر دهد ولی فاقد شرایط ماده ۷۹ کنوانسیون باشد. برای شخص متاثر از این تغییرات هیچ طرق جبرانی وجود ندارد به خصوص برای طرفی که قرارداد برای او به طور قابل توجهی کم منفعت تر شده است و در فرض وجود مانع اقتصادی هم، هیچ طریق جبرانی دیگری غیر از معافیت متعهد از مسئولیت موجود نیست. با این اوصاف ماده ۷۹ کنوانسیون شامل حالت های دشواری بیش از حد نمی شود بلکه به حالت های غیر ممکن شدن شدن اجرا است چرا که در رویه های قضایی دادگاه ها حکم صادر شده که کنوانسیون بر این قرارداد اعمال نمی شود حکم دادگاه در خصوص دشواری اجرای قرارداد با افزایش قیمت و یا با تعدیل ثمن قابل توجیه است و قرارداد را ادامه داده و اجرا می نماید. با ملاحظه پیش نویس کنوانسیون و وجود پیشنهاد های مبنی بر اعطای معافیت در حالت های دشوار شدن اجراء در نتیجه تغییر اوضاع و احوال، که همگی رد شدند و نویسندگان مخالف در نظریه خویش مبنی بر عدم پذیرش تغییر اوضاع و احوال به این رد پیشنهادات استناد می نمایند. مثلاً برخی حقوق دانان ادعا می کند که عدم پذیرش شرایط دشواری در کنوانسیون نشان می دهد که کنوانسیون هرگز بر آن نبوده است که دشواری یا هاردشپ در وضعیت مقرر در ماده ۷۹ قرار بگیرد. (Carlsen, ۱۹۹۸, n, l've, D)

عده ای نیز بر این اعتقادند که؛ با توجه به کارهای مقدماتی کنوانسیون، واضح است که کنوانسیون مفهومی واحد از "مانع" را برگزیده و لذا تئوری "تغییر اوضاع و احوال را در نظر نگرفته است. (Tallon, ۱۹۹۱, ۵۹۴, n, ۳۰۱, ۲ad article ۷۹)

عده ای از حقوقدان معتقدند که در ابتدای شکل گیری کنوانسیون، مفسران اعتقاد دارند که فروض مربوط به هاردشیب (تغییر اوضاع و احوال قرارداد) جایگاهی در کنوانسیون ندارد. وییان می دارد که کنوانسیون، حاوی مقرره خاصی که به تغییر اوضاع و احوال و دشواری قرارداد بپردازد، نیست و حتی از فورس و ماژور هم سخنی به میان نیاورده است. ماده ۷۹ کنوانسیون اعلام می دارد متعهد تنها در صورتی از پرداخت خسارت معاف می گردد که نقض قرارداد به خاطر مانعی خارج از کنترل او صورت گیرد این ماده مسائل مربوط به دشواری و تغییر اوضاع و احوال را تحت پوشش قرار نداده است. بنابراین در مرحله نخست هیچ نیازی برای متوسل شدن به مفاهیم داخلی دشواری و تغییر اوضاع و احوال وجود ندارد به گونه ای که هیچ روزنه ای در کنوانسیون نسبت به استناد متعهد به غیر ممکن شدت اقتصادی و انطباق قرارداد با اوضاع و احوال تغییر یافته وجود ندارد اگر غیر از این ادعا کند، یکپارچگی حقوق بیع بین المللی کالا در بسیاری از زمینه های مهم زیر سوال خواهد رفت. (Schwenzer, ۲۰۰۸, ۷۱۲-۷۱۳)

در خصوص معافیت متعهد از اجرای تعهد و رابطه سببیت شروط تحقق مانع بستگی به نوع کالا موضوع قرارداد دارد اگر کالای موضوع قرارداد عین معین باشد حدوث مانع باید ناظر به همان کالا باشد اگر کالا مورد تعهد، کلی در معین باشد معافیت زمانی قابل تصور است که مجموع کالای کلی در معین با مانع مواجه باشد چنانچه ناظر به بخشی از کالا کلی در معین باشد، در صورت امکان باید از قسمت باقیمانده تحویل داد اگر کالا عین کلی باشد اصولاً معاف شدن و معاف کردن فروشنده دشوار است اما بصورت غیر ممکن نیست بعثت اینکه یکی از تعهدات عمومی طرفین قرارداد آن است که با موانعی که در سر راه اجرای تعهدات پدید می آید مقابله با موانع است باید به دفع مانع یا کاهش آثار آن اقدام کرد البته در این خصوص نیز نمی توان معیار روشنی به دست آورد ملاک دید متعارف است. به نظر تعدیل قرارداد و ثمن آن در راستای مقابله با "مانع" و "انحلال" قراردادهاست و هدف از تعدیل ثمن و قرارداد "ابقاء قرارداد" است که یکی از اهداف کنوانسیون است به نظر در کنوانسیون انفساخ قرارداد منتفی است.

احتمال دارد تاخیر در اجرای قرارداد نقض اساسی محسوب شده و طرف مقابل به استناد بند ۲ ماده ۸۱ کنوانسیون تقاضای فسخ کند. یعنی تعلیق اجرای تعهدات تا رفع مانع و دادن مهلت به متعهد به نوعی تعدیل قرارداد است. بند ۴ ماده ۷۹ کنوانسیون بیع بین المللی کالا اشاره به اخطار باحسن نیت متعهد به طرف قرارداد و اعلام وقوع حادثه ناتوانی خویش در اجرای قرارداد دارد در صورت عدم اخطار به موقع و یا اخطار به موقع و عدم وصول اخطار به طرف قرارداد قاصر مسئول خسارت ناشی از عدم وصول اخطار است نه عدم اجرای اصل تعهد. لزوم ارسال اخطار به طرف مقابل بر مبنای اصل حسن نیت که اتفاقاً از اصول تفسیری کنوانسیون می باشد، می توان استنباط کرد هدف این است که از اضرار بیشتر به طرف مقابل پیشگیری شده و او را در وضعی قرار گیرد که بتواند اقدامات لازم را برای حفظ منافع خویش انجام دهد و تصمیمات لازم و درست را اتخاذ کند لازم به ذکر است که صرف پیش بینی امکان وقوع حادثه تعهد ارسال اخطار برعهده فرد قرار نمی گیرد بلکه حدوث واقعه باید حتمی و محرز باشد و اینکه متعهد باید نوع مانع و میزان تاثیر آن بر قرارداد و اینکه آیا مانع کل قرارداد یا بخشی از قرارداد و یا اینکه مانع موقتی است یا دائمی کاملاً به اطلاع طرف مقابل برساند و با توجه به اینکه کنوانسیون در ارسال اخطاریه همانند ایجاب و قبول مطابق ماده ۱۵ و بند ۲ ماده ۱۸ کنوانسیون "نظریه وصول" را پذیرفته تا زمانیکه که اخطاریه به طرف قرارداد نرسد هرچند فوراً فرستاده باشد، باز هم مسئول جبران خسارات و تعهدات است. از ارسال اخطاریه متعهد تعدیل مفاد قرارداد و ثمن آن قابل استنباط است.

اصل حسن نیت که از اصول تفسیری طبق بند یک ماده ۷ کنوانسیون مطرح است به این معناست که، متعاقبین در تمامی مراحل از انعقاد قرارداد تا اجرای کامل آن نهایت همکاری و مساعدت و تشریک مساعی داشته باشند و قصد واقعی خویش از انجام معامله امتیاز دهی و امتیازگیری متعادل و طرفینی باشد نه یک طرفه که موجب بهم خوردن تعادل قرارداد و دارا شدن یک طرف قرارداد و موجب نزاع و اختلاف و ایجاد اختیارات و حق فسخ می گردد و فلسفه خیار ایجاد مانع در متضرر شدن طرفین قرارداد و به تعادل کشاندن تعهدات طرفین است. اصل حسن نیت، اصلی ذاتاً اخلاقی و وجدانی است که همگام با تحولات جوامع انسانی و گسترش ارتباطات اجتماعی و تجاری و ظهور اختلافات پیچیده حقوقی در جهت حل قسمتی از مسائل حقوقی به ویژه نزدیک ساختن مقررات و ضوابط خشک حقوقی به موازین عدالت و انصاف پا به عرصه حقوق نهاده است. که دومعنا کلی و مستقل می توان از آن استنباط کرد: ۱- صداقت و درستکاری در انعقاد و اجرای اعمال حقوقی ۲- تصورات شبهه و قابل اغماض به وجود یا عدم وجود یک واقعه، یک حق و یا یک قاعده حقوقی. کارکرد اولی در کلیه اعمال حقوقی به ویژه در انعقاد، اجراء و تفسیر قراردادها حکومت دارد. کارکرد دومی که در برخی دیگر از حوزه های حقوق همچون اموال و مالکیت اسناد تجاری، نکاح و غیره حاکم است حسن نیت به عنوان یک مبنای حقوقی توجیه کننده برای حمایت از اشخاص در موارد اشتباه و تصور نادرست به کار می رود که ناظر به عدم اطلاع و ناآگاهی شخص است و این مفهوم جنبه حمایتی حسن نیت را شامل می شود و در حقوق فرانسه مورد توجه واقع شده است و موجب حمایت قانون گذار از شخص با حسن نیت (ناآگاه) می شود. منظور از حسن نیت که در مراحل مختلف قرارداد حکم فرما و موضوع بحث ما بشمار می آید مفهوم نخست است که تعریفی جامعی از حسن نیت را ارائه می دهد بدین شرح که؛ رفتار صادقانه و عادلانه و معقول که طرفین در قرارداد خود از یکدیگر یا حتی اشخاص ثالث که مشمول قرارداد بودند و یا متعاقبا با قرارداد ارتباط پیدا می کنند انتظار دارند. چنین انتظاری هریک از طرفین راملزم می کند که در مذاکرات قراردادی و در زمان انعقاد قرارداد با انصاف و صادق باشد و بعد از وقوع قرارداد نیز در تفسیر و اجرای قرارداد و تعهدات و نیز اعمال حقوق خویش صادقانه و منصفانه عمل کند. (ابراهیمی، ۱۳۸۹، صص ۹۰-۶۱)

ماده ۵۰ کنوانسیون که اشاره می کند؛ در صورتی که کالای تسلیم شده منطبق بر قرارداد نباشد اعم از اینکه ثمن قبلاً تادیه شده یا نشده باشد مشتری می تواند به نسبت تفاوت ارزش کالای تسلیم شده در روز تسلیم و ارزشی که کالای منطبق با قرارداد در روز تسلیم دارا می بوده است ثمن را تقلیل دهد مع هذا هر گاه بایع مطابق مواد ۳۷ یا ۳۸ هر نوع قصور در ایفاء تعهدات خود را جبران کند و یا در صورتی که مشتری مطابق مواد مذکور، از قبول انجام تعهد بایع خوداری ورزد، مشتری نمی تواند ثمن را کاهش دهد، به نظر برخی از حقوقدانان تقلیل ثمن در این ماده نه خسارت است و نه فسخ جزئی قرارداد بلکه تعدیل قرارداد آن است (Muler-chen, ۲۰۰۵, ۷۷۱, n, l and Article ۵۱)

ضابطه تشخیص بنیادی و اساسی بودن تغییرات اوضاع و احوال چیست؟ بخاطر تنوع قراردادها و تفاوت در کیفیات و شرایط آنها در این خصوص معیار مشخصی تعریف شده ای وجود ندارد ممکن است تغییرات در یک قرارداد اساسی محسوب ولی در قرارداد دیگری اساسی محسوب نشود در تشخیص اینکه آیا هرگونه دگرگونی منجر به دشواری می گردد یا خیر؟ مطمئناً ملاحظه و بررسی اولین باید به اوضاع و احوال خود آن مورد خاص صورت گیرد. تفسیر ماده ۶-۲-۲ اصول قراردادهای تجاری بین المللی در اولین انتشار آن در سال ۱۹۹۴ پیشنهاد می کند که یک دگرگونی که منجر به تغییر ۵۰٪ یا بیشتر از آن شود شاید بتوان یک دگرگونی بنیادین گردد ولی در انتشار دوم در سال ۲۰۰۴ از توصیه به هر گونه رقم دقیق پرهیز کرده است برخی معتقدند که اگر اجرای تعهدات از نظر پولی قابل اندازه گیری دقیق باشد تغییر بالغ بر ۵۰٪ یا بیشتر ارزش اجرا یا بهای تمام شده به منزله تغییر بنیادی خواهد بود. (نوری، اصول قراردادهای بازرگانی

بین المللی، ۱۳۸۷) بنظر آنچه تغییر اساسی محسوب می شود که تعادل و توازن و شرایط قرارداد زمان انعقاد عقد را آن چنان متحول کند که کاملاً استثنائی و غیرمنتظره باشد قصد و رضای مشترک متعاقدين را تحت تاثیر قرارداد که اجرای تعهد برای متعهد نامتعارف باشد و عرفاً هم قابل مسامحه نباشد. با توجه به موارد ذکر شده علی رغم سکوت کنوانسیون در خصوص تغییر اوضاع و احوال می توان تعدیل ثمن که موجب بقای قرارداد و ادامه اجرای آن است و بعنوان طرق جبران خسارت هم قلمداد می شود تعدیل ثمن قابل پذیرش دانست.

۴- روش های تعدیل ثمن در اثر تغییر اوضاع و احوال قرارداد در نظام حقوقی ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا

یافته های مقاله موید این مطلب است که تعدیل ثمن در نتیجه تغییر اوضاع و احوال قرارداد در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین المللی محل اختلاف است و اصل بر رد دخالت دادگاه هاست ولی براساس اصول کلی و تئوری تفسیر، تعدیل ثمن در موارد استثنائی قابل پذیرش است. منشا تعدیل ثمن تعدیل قرارداد است، ثمن و مبیع از ارکان صحت عقد محسوب می شوند هرچند که در مواردی استثنائاً در قراردادها ثمن در زمان انعقاد قرار داد تعیین نمی شود و یا تعیین آن به آینده موکول می شود گاهی ثمن در زمان انعقاد قرارداد تعیین قطعی می شود لکن بر اثر تغییر اوضاع و احوال قرارداد پرداخت ثمن تعیین شده برای متعهد با دشواری و مشقت مواجه می شود امکان دارد ثمن تعیین شده از اعیان، منافع، کالا و یا خدمات باشد که از بین رفته باشد و پرداخت آن به طور دائم غیر ممکن گردد در هریک از آنها آثار علی حده ای وجود دارد. تعدیل ثمن، زمانی است که ثمن قرارداد در زمان انعقاد قرارداد ثابت و معین و قطعی بوده ولی بعداً بعلت تغییر تحولات غیر قابل پیش بینی و پیشگیری قرارداد پرداخت آن با دشواری مواجه گردد و قرارداد را تحت شعاع خویش قرار می دهد برای ادامه اجرای قرارداد تعدیل ثمن راهگشاست برای تعدیل ثمن روش های متعددی را ارائه کرده اند: گاهی تعدیل ثمن با معیار عینی مانند ثمن المثل، ثمن بازار روز، ثمن بورسی و عرفی و گاهی با معیار شخصی مانند ارجاع امر به کارشناسی و داوری و اشخاص ثالث و طرفین قرارداد که با ملاحظه تغییر شرایط جدید قرارداد ثمن را تعدیل و به اجرای قرارداد پایبند هستند. هرچند نظریه تعدیل قرارداد در دوره معاصر طرفداران قابل توجهی دارند ممکن است تصور شود که ناشی از حقوق عرفی و تجاری است. لیکن اصل این نظریه در فقه اسلامی نیز مورد استناد قرار گرفته است. نظریه تعدیل قرارداد این گونه توجیه می شود که اصولاً وقتی افراد اقدام به انعقاد قراردادی می نمایند بنا و قصد آنان بر این بوده که قیمت و نرخ روز خدمات و کالای مذکور را، مبنا و معیار اندازه گیری تعهدات خویش قرار دهند بنا بر این، اگر طرفین به دلیل عدم اطلاع از قیمت بازار یا در سوء استفاده قدرت برتر یک طرف قرارداد از وضعیت ضعف و اضطراب طرف دیگر، قیمتی بالاتر از قیمت بازار که قیمت عادلانه نیست، تعیین کنند و یا ثمن قرارداد در اثر تغییر اوضاع و احوال برای متعهد غیر منصفانه باشد. مبنای اولیه قصد طرفین اقتضاء می کند که قرارداد تا حدی مازاد بر قیمت عادلانه است، تعدیل گردد. از طرف دیگر، بنای عقلا نیز در معاملات بر این استوار است که عوضین قرار داد در قیمت، عرفاً متعادل باشد. در نتیجه قرارداد مذکور باید بر مبنای قصد مشترک طرفین بررسی و تعدیل گردد. (باریکلو، ۱۳۸۲: ۳۵)

در برخی موارد طرفین عقد در خصوص شیوه تعدیل ثمن یا ثمن تعدیل یافته به توافق نمی رسند و یا تعدیل در قرارداد توسط دادگاه صورت می گیرد که زمان بر و پرهزینه برای طرفین است، با وجود همه مشکلات در برخی موارد در قراردادها طرفین عقد ثمن را در زمان انعقاد عقد تعیین می نمایند و شرط تعدیل ثمن را در قرارداد می گنجانند یا قرارداد

را بدون تعیین ثمن منعقد می کنند تا براساس تغییر اوضاع واحوال شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و سایر دگرگونی های ثمن را در آینده به صورت شناور بر اساس ضابطه ای عام و خاص تعیین می کنند. (انصاری، ۱۳۹۷: ۲۹-۳۰)

اگرچه عدم ذکر شرط تعدیل قرارداد و ثمن آن، اصل تعدیل را منتفی نمی کند، اما چون در حقوق ایران تعدیل قضائی صریحا مورد نظر قانونگذار قرار نگرفته است جهت سهولت کار بهتر است تعدیل شرایط و جزئیات آن در متن قرارداد اصلی بیان گردد. رجوع به نظر کارشناس یا داور و ثالث می تواند از تدابیر مورد نظر باشد در خصوص محاسبه و تعیین ثمن نیز می توان از سیستم تعدیل قرارداد استفاده کرد، درست به همان شیوه ای که در قراردادهای پیمان و در اجرای برنامه های عمرانی دولتی مورد عمل قرار می گیرد زیرا با آنکه ثمن در حین انعقاد قرارداد معلوم و مشخص شده است. لیکن به منظور اجتناب از مخاطرات بعدی امکان تعدیل ثمن وجود خواهد داشت باید افزود تعدیل و احتمال تغییر ثمن معامله سبب بقای غرر نیست زیرا در ابتدای قرارداد ثمن معین و ثابت است و احتمال دارد هیچ گاه به تعدیل منجر نشود و حتی به فرض تعدیل دارای مبنای موجه باشد. (شعاریان، ۱۳۹۱: صص ۱۰۵-۱۰۷)

برای تعدیل ثمن در آینده براساس تغییر شرایط و اوضاع واحوال می توان به نظر کارشناس یا داور مرضی الطرفین رجوع کرد اگر در متن قرارداد چنین شرطی پیش بینی بشود که هنگام درخواست یکی از متعاملین کارشناس رسمی نسبت به تجزیه و تحلیل وقایع موجود اقدام نماید و نظریه کارشناسی برای متعاقدين لازم الاتباع خواهد بود، تولید کنند خواهد توانست به استناد افزایش بی رویه مواد اولیه با نرخ ارز و در نتیجه بالا رفتن هزینه تولید از کارشناس رسمی تجدید در ثمن قرارداد را تقاضا نماید و نظر کارشناسی که با بررسی اسناد و مدارک تولید کننده همراه است، می تواند رافع مشکل باشد همچنین متعاقدين می توانند در تعدیل قرارداد نظر داور مرضی الطرفین را بپذیرد و داور نیز به درخواست یکی از طرفین یا هردوی آنها در صورت تحقق شرایط تعدیل نسبت به تغییر جزئیات توافق اقدام خواهد نمود البته باید مبنای تعدیل داور معین گردد. (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۷۴، بند ۲ ماده ۲۳۳ ق م)

به طور معمول آنچه در مورد تعدیل قرارداد مورد توجه قرار می گیرد، تغییرات فاحش و ناگهانی مالی و اثر آن در تراضی طرفین یک قرارداد است ولی در خصوص امکان یا عدم امکان اجرای قرارداد با شرایط جدید سخنی به میان نیامده است به عبارت دیگر، تحقق شرایط جدید حاکم بر قرارداد ممکن است در دوفرضی بررسی گردد: ۱- اینکه کما کان قرارداد، بالحاظ افزایش ناگهانی قیمت ها و سخت شدن اجرای آن توسط متعهد قابل اجرا باشد. ۲- اینکه با تمامی تلاشی که متعهد انجام می دهد اجرای قرارداد متعذر است.

تعذر اجرای قرارداد به سبب ناتوانی اجرای قرارداد در دو مفهوم کلی، تعذر مادی و تعذر اعتباری تبیین می گردد. در هردو مفهوم واسم اجرای قرارداد به هیچ وجه حتی به بکار گیری امکانات و توانایی های طرفین و با اشخاص ثالث ممکن نیست، ولی در تعذر مالی وضع به گونه دیگری است و با تغییر شرایط به عبارت دیگر، تعدیل قرارداد امکان اجرای قرارداد به وجود می آید. بر مبنای اصل حسن نیت، فراهم نمودن شرایط اجرا و همکاری برای رسیدن به قصد مشترک، متعاقدين مکلف اند تا حد امکان این شرایط را تسهیل کنند این همکاری و مساعدت در طول قرارداد و به طور مستمر رعایت گردد هنگامی که اجرای قرارداد به علت تعدر مالی دشوار می شود نیز صادق است. (بنایی اسکویی، ۱۳۹۲: ۵۱-۵۲-۵۳)

ثمن شناور به نوعی تعدیل ثمن قرارداد است که بر اساس تغییر اوضاع و احوال بر قرارداد در اثر شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و سایر موانع بر اساس ضابطه ای عینی و شخصی تعیین می گردد و به اشکال زیر تعدیل و تعیین می گردد:

۴-۱- حالت اول: ثمن شناور در تحویل آتی

ثمن شناوری که در قراردادهای تحویل آتی (تحویل مبیع در آینده) کاربرد دارد. در این حالت تعیین ثمن برعهده یکی از طرفین عقد یا شخص ثالث یا با ارجاع امر به کارشناس بوده تا با تحقیق و تفحص قیمت متعارف مورد معامله را محاسبه و تعیین کنند. مثلاً فروش اتومبیل توسط یک شرکت و تحویل آن ظرف سه ماه آینده، در این قرارداد ثمن ذکر نمی شود لیکن توافق می کنند در زمان تحویل اتومبیل ثمن بر اساس قیمت متعارف از طریق ارجاع به کارشناس و سایر موارد و یا با استعلام از بازار که مکان و زمان آن مثلاً در تهران و در تیر ماه باشد، مشخص شود. مثال دیگر در مزایده ها و مناقصه ها که متعاملین، بالاترین و پایین ترین قیمت پیشنهادی معاملات خویش را تادیه می کنند. متعلق ایجاب و قبول، فروشنده و خریدار حسب مورد ثمن نامعلومی است که نسبت به یکی از متعاملین مجهول است و بعداً معلوم می گردد پرداخت خواهند کرد البته در مزایده ها و مناقصه ها در صورتی ثمن شناور محسوب می شود که با پست کردن نامه یا تحویل آن قرارداد را منعقد شده بدانیم در غیر این صورت اگر زمان انعقاد قرارداد پذیرش بالاترین یا کمترین قیمت پیشنهادی باشد اصولاً بحث ثمن شناور مطرح نمی باشد. (داراب پور، و ۷۸۱: ۱۹۳۲. prosser و ۲۱: ۱۹۳۱ vold) هدف از شناورسازی قراردادها این است که طرفین بتوانند در برابر نوسانات و امور غیر قابل پیش بینی توافقات خویش را به روز کرده و معاملات خویش را از دیدگاه تجاری توجیه پذیر کنند. سوالی در این حالت مطرح است؛ اینکه اگر قیمت کالا در بازار متفاوت باشد کدام قیمت ملاک عمل قرار می گیرد؟ قیمت اعلی یا قیمت پایین تر یا میانگین قیمتها؟ در بسیاری از نظام های حقوقی بیان شده که ثمن متعارف که ناشی از شرط ضمنی است ملاک ثمن قرار داد می گردد. (Ajram and others ۲۰۱۴: ۹۹) مهمترین ویژگی حالت اول این است که سازو کار مشخصی برای تعیین ثمن، قرار داده نشده و صرفاً به یک شاخص احاله گردیده است در این روش ممکن است که طرفین توافق کنند که ثمن تعیین شده نقد یا اقساطی باشد.

۴-۲- حالت دوم: ثمن شناور با تعیین سازو کار (ضابطه) تعیین

در این حالت، طرفین به جای تعیین ثمن صرفاً بریک سازو کار قیمت گذاری توافق کرده به طوری که ثمن قابل تعیین باشد و ممکن است این ضابطه خود به خود منجر به مشخص شدن ثمن گردد. برای مثال متعاملین برای قیمت تمام شده کالا به اضافه سود منصفانه و یا بر قیمت تعیینی از سوی دولت برای واحدهای دولتی به علاوه ده درصد اضافه بر آن توافق نمایند نرخ تورم سالانه تعدیل می گردد یا آنکه طرفین ثمن را به قیمت بورس کالا احاله می نمایند مشروط بر آنکه بیش از ۲۰٪ قیمت زمان انعقاد عقد نوسان نداشته باشد لازم به ذکر است که اگر تحدید نوسان در این حالت صورت نپذیرد به این نحو که صرفاً به شاخص بورس احاله داده شود در این صورت مشمول حالت اول قرار می گیرد، یا در موردی که تعیین ثمن بر اساس وزن، لیتر، و سایر اوزان صورت می گیرد و یا مقدار مبیع خریداری شده و فردخته شده قبل از اندازه گیری و وزن مبیع معلوم و مشخص نیست. مثل خرید تولیدات کارخانه یکسال ماکارونی از قرار کیلویی پنجاه هزار تومان که در اینجا متعلق انشای متعاملین ثمن خاصی نیست اما ثمن با یک سلسله عملیات پیچیده یا ساده ریاضی (ضابطه ای) مشخص می گردد. (داراب پور، و ۷۵۷، ۱۹۳۲. prosser و ۶۳۹، ۱۹۵۷. vold)

۴-۳- حالت سوم: ثمن معلوم و معین با درج شرط تعدیل

در این حالت ثمن معلوم و مشخص است لکن مطابق شرط ضمن عقد، ثمن تعدیل می گردد یعنی مبنای تعیین ثمن به معیارهای متغیری محول شده است و اصولاً اعمال این ضابطه ها در قراردادهای بلند مدت، قراردادهای که مواد اولیه تولید آن ها قیمت های متغیری را در زمانها و مکانهای مختلف دارند و یا دستمزد و حقوق کارگران بر اساس افزایش می یابد، مطرح می باشد و این متغیرها نامحدود می باشند در این گونه موارد ثمن مورد نظر متعاقبین بر اساس شاخص های ارگانهای دولتی و خصوصی، قیمت روز قراردادیازمان ساخت، زمان تحویل مبیع و با احتساب و لحاظ ثمن مورد توافق ابتدایی محاسبه و تعیین می گردد مثل تعهد تولید کننده قطعات یدکی پراید به تدارک و ساخت ۲۰ سال آینده قطعات یدکی پراید در این گونه موارد اصلاً امکان تعیین قیمت بیست سال آینده نیست و نمی توان به توافق بعدی طرفین واگذار کرد چون غالباً تولید کننده قطعات یدکی یک کارخانه خاصی است و موکول نمودن تعیین ثمن برای خرید قطعات یدکی به توافق طرفین یعنی اجبار خریدار (طرف ضعیف) قرارداد به پرداخت هر مبلغی که تولید کننده (طرف برتر) قرارداد پیشنهاد می کند، می شود که به هیچ وجه مطلوب نیست. چنین شیوه ای را هیچ عقل سلیم قبول نمی کند چرا که اگر انعقاد قرارداد برای خرید قطعات یدکی را به آینده موکول کنیم از یک طرف، نمی توان از انعقاد قرارداد اطمینان داشت چون تولید کننده تعهدی بر چنین امری ندارد از طرف دیگر خریدار مجبور خواهد شد قطعات یدکی را به هر قیمت گزاف بخرد یا در صورت عدم امکان تهیه قطعات یدکی کل سرمایه خویش را از دست خواهد داد چون در صورت خراب شدن قطعاتی از خودرو و عدم دسترسی به قطعه و عدم تعمیر و راه اندازی آن، خودرو بلا استفاده مانده و عملاً از حیز انتفاع خارج شده و این به معنی از دست دادن کل سرمایه است.

مثال دیگر، قیمت خودرو پراید در زمان انعقاد قرارداد دویست میلیون تومان تعیین شده سپس با درج شرطی توافق می شود که قیمت بر فرض قسطنی بودن در آخرین قسط براساس قیمت روز تعدیل شود و این شکل ممکن است به چند شکل صورت پذیرد: ۱- سازو کار تعدیل بر مبنای ثمن باز (حالت اول) ۲- سازو کار تعدیل به جای احاله به قیمت بازار، ثمن براساس ضابطه ای مشخصی که از قبل تدوین و توافق شده است تعدیل گردد در آخرین قسط بر اساس قیمت روز بازار تعدیل گردد. (حالت دوم) ۳- سازو کار تعدیل بر اساس قیمت بورس کالا که حداکثر تا ۳۰٪ درصد، که جنبه کنترل کننده دارد و آن اینکه حداکثر تا ۳۰٪ قیمت بورس در قسط آخر به قیمت پایه اضافه گردد که متفاوت از قیمت در زمان انعقاد عقد است. نکته قابل توجه اینکه در این حالت شرط قابل تعدیل است نه عقد که این شرط تعدیل ممکن است در قالب شرط فعل باشد و یا در قالب شرط نتیجه. (فخار، ۱۳۸۰: ۱۱۲)

۴-۴- حالت چهارم: توافق براساس ثمن قابل انتظار

در این حالت، براساس توافقی که بین طرفین انجام شده است بر اساس آن یک تخمین فرضی از ثمن معلوم می شود. بدین شرح که طرفین معامله از توافق اولیه یا فراتر گذاشته و ثمن پایه قرارداد را بطور معلوم و معین مشخص و در مورد آن توافق می نمایند با این شرط که ثمن قابلیت نوسان یعنی قابلیت تعدیل و تغییر داشته باشد لذا هنگامی که شرایط حاصل شود و حوادث مورد نظر متعاملین تحقق یابد "ثمن پایه" یا "ثمن تخمین" یا "پیش فرض" تغییر یافته و جای خود را به "ثمن ثانوی" می دهد و در این حالت نیاز به اراده انشایی نیست و ثمن براساس ساز و کار مشخص شده تعدیل می گردد. تعدیل قرارداد با تحقق معلق علیه مثلاً سر رسید قسط آخر در فروش قرارداد اقساطی به صورت خودکار انجام می گیرد در واقع این امر نوعی "شرط نتیجه معلق" است که با حصول معلق علیه همان قسط آخر در

قراردادهای اقساطی، قرارداد سابق به نحو شرط نتیجه اقاله و قرارداد جدید با ثمن جدید و شرایط قرارداد بصورت خودکار بدون قصد اراده جدید بصورت " شرط نتیجه معلق " صورت می گیرد. یعنی با تحقق معلق علیه قرارداد به نحو شرط نتیجه اقاله و سپس به شرط نتیجه دیگری همان "بیع سابق" با همان شرایط لیکن براساس قیمت سر رسید معلقاً انشاء شده است.

۴-۵- فرق حالت سوم با حالات اول و دوم و چهارم

در حالات اول و دوم و چهارم جهل به ثمن مطرح است و از طریق "درج شرط فعل" تعدیل قرارداد یا به تعبیر دقیق تر حقوقی "اقاله قرارداد سابق" و "انشای قرارداد ثانی" در قالب یک شرط فعل نیازمند به انشای طرفین است به هر تقدیر در واقع دو شرط فعل در قرارداد گنجانده می شود که در یکی "تعهد بر اقاله عقد اول" و شرط فعل دومی، "تعهد بر انشای عقد ثانی" ممکن است که به منظور تضمین انجام تعهد وجه التزام هم تعیین می شود. درحالی که، در حالت سوم ثمن مقطوع بوده و تعدیل ثمن نیازمند اراده انشایی است درحالت سوم هیچ جهلی به ثمن متصور نیست زیرا ثمن معلوم و مشخص است ولی ایراد اساسی در حالت سوم غرری بودن شرط است که ممکن است گفته شود شرط مجهول سرایت به عوضین نماید و موجبات بطلان عقد را فراهم سازد. (مقدری امیری، عسگری، ۱۳۹۴: ۱۵۸)

با بررسی اشکال مختلف ثمن شناور و اعمال هر کدام از حالات در قراردادها با درج شروط سه گانه در قانون مدنی ۱- شرط فعل ۲- شرط نتیجه ۳- شرط صفت در قراردادها می توان ثمن قرارداد را تعدیل کرد.

نتیجه گیری

معلوم و معین بودن مورد معامله یا عوضین و وفای به عهد از اصول اولیه و لازم الاجرا در قانون مدنی ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا است چرا که از یک طرف به دلیل تنوع در قراردادها و تفاوت در کیفیات و شرایط آنها طرفین قرارداد با در نظر گرفتن تغییرات متعارف در قیمت ها و هزینه های خدمات، تورم، عوارض و مالیات و حتی تحریم ها و کلیه مسائل موثر اقدام به انعقاد قرارداد نموده و به آن متعهد می شوند اگر تغییراتی متعارف و متناسب با شرایط مذکور رخ دهد و موجب مشقت و خسارتی متعارف گردد نمی توان متعهد را از اجرای تعهد به خاطر این تغییر اوضاع و احوال معاف دانست زیرا هدف از هر معامله کسب سود است و وجود خسارت در هر قراردادی مورد انتظار طرفین است از طرفی دیگر، اگر معتقد باشیم که هر نوع تغییری در اوضاع و احوال، حق تعدیل، تعلیق، فسخ، انفساخ یا تجدیدنظر در قرارداد بنا بر نظریه دشواری ایجاد می کند لزوم قراردادها متزلزل و انجام تعهدات قراردادی دچار لغزش و تردید می گردد لذا هر تغییری را نمی توان موجب تغییر در اوضاع و احوال قرارداد دانست بلکه تغییری که نامتعارف و در عرف غیر قابل مسامحه و موثر در عقد و خارج از قلمرو پیش بینی و پیشگیری طرفین بوده و در قلمرو قصد و رضای اولیه آنان قرار نگیرد در این صورت دگر گونی بنیادین و اساسی محقق شده است در جامعه جهانی کنونی تحولات گسترده اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، بلاهای طبیعی، تورم، تحریم ها، بیماری واکیر مانند کرونا موجب تغییرات اساسی و بنیادی اوضاع و احوال در برخی از قراردادها گردیده و اصل وفای به عهد و معین بودن عوضین در زمان انعقاد عقد را تحت شعاع خویش قرار داده و از شدت وحدت آن کاسته است. در صورت تحقق تغییر اساسی در قرارداد برای متعاقدين حالت های مختلف متصور است، اگر تغییر بنیادین اوضاع و احوال در قرارداد طبق توافق لحاظ شده باشد بر اساس اصل حاکمیت اراده طبق توافق تعدیل می کنند، در صورت نداشتن شرط ضمن عقد، متضرر از قرارداد با حسن نیت

وضعیت دشواری و تعسر اجرای قرارداد را به طرف مقابل اعلام و ایشان را به مذاکره مجدد در خصوص تحولات شرایط قرارداد دعوت می کند در صورت توفیق در مذاکرات براساس توافق مجدد عمل می کنند در غیر این صورت هریک از طرفین یا هردو از دادگاه تقاضای تعدیل و مذاکره مجدد طبق شرایط جدید می نمایند دادگاه بر اساس شرایط و حسب مورد اگر اجرای قرارداد به صورت موقت با مشقت مواجه باشد با اعطای مهلت تا رفع دشواری به تعلیق اجرای قرارداد حکم می کند تا پس رفع دشواری به اجرای تعهد ادامه دهد این تعدیل قضایی است اما اگر اجرای قرارداد به صورت دایم و طولانی مدت غیرممکن و یا با مشقت اجرا مواجه باشد اجرای قرارداد متوقف و حسب مورد عقد فسخ یا منفسخ می گردد. تحقق تغییر شرایط بنیادی شرایط اوضاع و احوال استثنائی بر اصل لزوم و ایفای عقد می باشد و سبب شده ثمن تعیین شده در زمان انعقاد بخاطر تغییرات اوضاع و احوال صورت گرفته قابل اجرا و پرداخت برای متعهد در زمان اجرای قرارداد نباشد علی رغم اینکه در قانون مدنی ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا در مورد نظریه تغییر اوضاع و احوال قرارداد و دشواری اجرای قرارداد سکوت اختیار کرده است اما در حقوق ایران با استمداد از آیات قرآنی، روایات، قواعد فقهی و دکترین حقوقی مانند نظریه شرط ضمنی، غبن حادث، دگرگونی طبیعت تعهد، منع سوء استفاده از حق، مواد قانونی علی رغم مخالفت صریح برخی از مواد قانون مدنی مانند ۲۲۹، ۲۲۷، ۲۱۹، قاعده نفی عسر و حرج و لاضرر می توان تغییر اوضاع و احوال پذیرفت در کنوانسیون بیع بین المللی کالا با استمداد از بند ۲ ماده ۷ کنوانسیون بیع بین المللی کالا، مواد ۱۴ و ۵۵ کنوانسیون، اصول مانند اصل حسن نیت، اصل معقولیت، عرف و عادت، اصل مذاکره مجدد در قرارداد و مواد قانونی در رابطه با تقلیل ثمن، بازفروش کالا، حق حبس، خسارت تاخیر و بهره، می توان با وحدت ملاک تغییر اوضاع و احوال در قراردادها را پذیرفت. با بررسی موارد ذکر شده می توان فسخ قرارداد و تعدیل قرارداد و ثمن آن که از آثار تغییر اوضاع و احوال به شمار می آید در راستای متعادل نمودن عوضین دو حالت بوجود می آید؛ ۱- اجرای قرارداد یا بطوری کلی برای متعهد یا طرفین غیر ممکن می شود که اثر حقوقی آن انحلال و فسخ قرارداد است در این صورت عقد با تمام شرایط از بین می رود و اجرای عقد متوقف شده جای برای تعدیل ثمن و قرارداد باقی نمی ماند ۲- گاهی اجرای قرارداد برای متعهد بیش از حد دشوار و پرهزینه می شود بعبارتی، اجرای مفاد قرارداد غیر عقلانی و ریسک غیر قابل تحمل برای متعهد می باشد که اثر آن حسب مورد تعلیق اجرای عقد و یا تعدیل قرارداد و ثمن آن که تعیین و تعدیل ثمن بر اساس معیار و ضابطه ای تغییر پذیری یا تغییر ناپذیر و یا عواملی، ۱- ضابطه عینی مانند نرخ روز بازار و عرف ۲- ضابطه شخصی مانند تعیین کارشناس یا داور و توافق طرفین و اگذار می شود. آن چه اهمیت دارد با وجود تغییرات و دگرگونی های فراوان در شرایط اقتصادی جامعه جهانی، قوانین حقوقی کشور نیز متناسب با تحولات جامعه متحول شده و همانند سایر نظام های حقوقی کشورهای پیشرفته راهکار مناسبی در خصوص تعدیل قرارداد و ثمن پذیرفت و توسط مراجع قانونگذاری طی مراحل تصویب قوانین در قواعد عمومی قراردادها آورده شود تا جامعه حقوقی و قضات در صدور آرای خویش و عموم مردم به راحتی استناد کنند زمینه رشد و توسعه اقتصادی و حقوقی فراهم کنیم مانع انحلال و فسخ عقود شده چرا که بنای و قصد مشترک طرفین بر اجرای قرارداد بوده و با تعدیل ثمن قاعده لاضرر و عسر و حرج بر قراردادها حکمفرما می شود و تعادل عوضین برقرار شده و بر کسی ضرر نامتعارف تحمیل نگردد و دیگری به صورت بی جهت دارا نشود.

منابع و مآخذ

قرآن الکریم

۱. ابراهیمی، یحیی (۱۳۸۹)، مطالعه تطبیقی مفهوم و آثار حسن نیت در انعقاد، تفسیر و اجرای قرارداد، مجله حقوقی بین المللی.
۲. اعرابی، هومن (۱۳۸۹)، تاثیر تغییر اوضاع و احوال بر اجرای معاهدات بین المللی، مجله دادرسی، شماره ۲۱.
۳. اسماعیلی، محسن (۱۳۸۱)، 'تاثیر اوضاع و احوال بر قراردادها از منظر حقوق تطبیقی، مجله رهنمون، شماره یک.
۴. امامی، سید حسن (۱۳۹۱)، *حقوق مدنی، ج اول، انتشارات اسلامی، چاپ سوم.
۵. انصاری، اعظم (۱۳۹۷)، تعیین ثمن در کنوانسیون بیع بین المللی کالا، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، شماره ۸۹.
۶. ایوانز، گراهام، نونام، جفری، مترجم حمیرا مشیرزاده وحسین شریفی طراز کوهی (۱۳۹۱)، فرهنگ روابط بین الملل، تهران، نشر میزان، چاپ دوم.
۷. باریکلو، علی رضا (۱۳۸۲)، ضمانت اجرای حقوقی سوء استفاده از وضعیت اضطراری طرف قرارداد، شماره چهارم.
۸. باریکلو، علی رضا، حقوق قراردادها، عقود معین (۱)، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۹. بنایی اسکویی، مجید (۱۳۹۲)، تعدیل قرارداد در صورت تعذر مالی، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۱.
۱۰. بیگدلی، سعید (۱۳۹۱)، تعدیل قرارداد، بنیاد حقوق میزان، چاپ سوم.
۱۱. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۰)، حقوق تعهدات و قراردادها، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
۱۲. پاشاپور، محمدباقر، حانیه ذاکری نیا، اقسام، احکام، و آثار معاذیر عدم اجرای قرارداد، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی ۱۹ (۲).
۱۳. پلانتا، ژان پی یر، حقوق جدید متحد الشکل بیع بین المللی، ترجمه دکتر ایرج صدیقی، ۱۳۷، مجله دفتر خدمات حقوق بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۴ و ۱۵.
۱۴. تازی، حسین (۱۳۹۱)، تعهد مشتری به پرداخت ثمن در کنوانسیون بیع بین المللی کالا ۱۹۸۰ وین و حقوق ایران، پایان نامه ارشد دانشگاه مازندران دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۱۵. توسلی جهرمی، منوچهر (۱۳۸۵)، رفع مسئولیت در کنوانسیون بیع بین المللی و حقوق تطبیقی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۷۲، صص ۶۵-۸۳ - جلالی، محمود، آرای، حمید (۱۳۸۹)، بررسی تطبیقی دکترین تغییر بنیادین اوضاع و احوال در ایران و حقوق بین الملل، مطالعات حقوق تطبیقی ۲ و ۶.
۱۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶)، مبسوط در ترمینال‌های حقوق جلد ۳، ۲، ۱، چاپ سوم، تهران، نشر گنج دانش.
۱۷. جوانمردی، ناهید (۱۳۸۱)، غبن طرفین "مجله پژوهش حقوق عمومی، (۷).
۱۸. حاتمی علی اصغر، اودیجانی، محمد مجتبی (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی قوه قاهره، مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان (۷).
۱۹. حاجیان، محمد مهدی (۱۳۸۶)، ارتباط لزوم تعیین ثمن با نظم عمومی، فصلنامه حقوقی گواه، شماره ۹۰۸.
۲۰. حائری شاه باغ (۱۳۸۲)، شرح قانون مدنی، جلد یک، چاپ دوم، تهران، کتابخانه گنج دانش.
۲۱. حسین آبادی، امیر (۱۳۷۷)، تعادل اقتصادی در قرارداد (۲) تهران، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۱-۲۲.

۲۲. حکمت، محمد علی (۱۳۶۴)، تاثیر اوضاع واحوال در اعتبارمعاهدات و قراردادهای بین المللی، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۳.
۲۳. حیدری فرد، علی اکبر (۱۳۹۶)، تعدیل قرارداد توسط قاضی، شیراز، انتشارات فرامتن.
۲۴. خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۶)، حقوق بیمه و مسئولین های مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
۲۵. خوئینی، غفور (۱۳۸۰)، تحلیل فقهی نظریه اوضاع واحوال در اعتبار قراردادهای پژوهشنامه متین، شماره ۱۳.
۲۶. داراب پور، مهرباب (۱۳۷۷)، ثمن شناور، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۲-۲۱.
۲۷. داراب پور، مهرباب (۱۳۹۵)، ترجمه تفسیری با حقوق بیع بین المللی کنوانسیون ۱۹۸۰ وین نوشته هجده تن از دانشمندان حقوق دانشگاههای معتبر جهان، تهران، گنج دانش چاپ سوم، جلدهای ۱-۲-۳.
۲۸. رکن آبادی، محمد درویش، پرچمی جلال، مجید (۱۳۹۴)، تغییر اوضاع واحوال و راهکارهای برخورد با آن، دهمین کنگره بین المللی مهندسی عمران، دانشکده مهندسی عمران تبریز.
۲۹. زواریان کچومثقالی، محمد، (۱۳۹۷)، تاثیر ارزش پول بر تعدیل قرارداد، مطالعات حقوق، شماره ۲۰، ص ۱۳۳-۱۴۶.
۳۰. ساردوئی نسب، محمد و آقابابایی دهکردی، پیمان (۱۳۹۸)، ماهیت و اعتبار شرط تعدیل ثمن و پرداخت مابه التفاوت در زمان پرداخت آخرین قسط، حقوقی دادگستری، شماره ۱۰۸ ص ۶۳-۸۱.
۳۱. سحابی، بهرام، ذوالفقاری، مهدی، مهرگانی، مهدی، سارنج، علیرضا (۱۳۹۳)، بررسی انواع ریسک نوسانات.
۳۲. شریفی، سیدالهام الدین، صفری، ناهید (۱۳۸۹)، مطالعات تطبیقی اثر هاردشیب در اصول حقوق قراردادهای اروپایی، اصول قراردادهای تجاری بین المللی و حقوق ایران، مجله حقوق تطبیقی، صص ۳-۲۴.
۳۳. شعاریان، ابراهیم (۱۳۹۱)، ثمن نامعین در قراردادهای پیش فروش موانع حقوقی و فقهی - راهکارها، نشریه علمی-پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، شماره پنجم، صص ۸۳-۱۲۱.
۳۴. شوانزر، اینبورگ، آرای، حمید (۱۳۹۲)، فورس مائور و هاردشیب در قراردادهای بیع بین المللی، ماهنامه کانون ۱۳۶.
۳۵. صفایی، سیدحسین (۱۳۸۹)، قواعد عمومی قراردادهای چاپ دهم، تهران، نشر میزان.
۳۶. صفایی، سیدحسین، کاظمی محمود، عادل مرتضی، میرزا نژاداکبر (۱۳۹۲)، حقوق بیع بین المللی بررسی کنوانسیون بیع بین المللی ۱۹۸۰، با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس، ایالات متحده آمریکا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳۷. طاهرخانی، حسین (۱۳۸۲)، قرارداد با عوض شناور از دیدگاه اصول حقوقی، مجله حقوقی دادگستری، شماره چهل و سه.
۳۸. ظریف، محمدجواد (۱۳۹۷)، سیاست خارجی ایران از درون مذاکره مبتنی بر قدرت، ص ۱۱.
۳۹. قاسم زاده، سیدمرتضی، ره پیک حسن، کیایی، عبدالله (۱۳۸۸)، تفسیر قانون مدنی، چاپ سوم تهران، انتشارات، سمت.
۴۰. قنواتی، جلیل، رجیبی، عبدالله (۱۳۹۶)، بررسی ضرورت رفع ابهام از مفاد قرارداد، فصلنامه علمی - پژوهشی دانش حقوق مدنی، شماره دو.
۴۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱)، عقود معین، جلدیک، چاپ یازدهم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۴۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸)، قواعد عمومی قراردادهای انعقاد و اعتبار عقد، جلد ۲، ویرایش جدید، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۴۳. گلشنی، عصمت، امینی، منصور، حسینی، سیدمهدی (۱۴۰۰)، هاردشیب در کنوانسیون بیع بین المللی کالا بررسی تطبیقی تفاسیر جدید، دانشنامه ها حقوقی، دوره چهارم، شماره ده.
۴۴. محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۳)، قواعد فقه بخش مدنی ۲۱، تهران، سمت، چاپ ۱، ۱۴.

۴۵. محمدی، سام، کاویار، حسین (۱۳۹۱)، تبیین فقهی حقوقی شروط ثمن باز در قراردادهای انرژی، فصلنامه پژوهش فقه و حقوق اسلامی شماره ۴۰، ۱۳۸-۱۱۵.

۴۶. معین، محمد، فرهنگ معین (۱۳۴۳)، جلد یک، چاپ اول، تهران، انتشارات امیر کبیر.

۴۷. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۶۳)، کتاب البیع، جلد سه، چاپ چهارم، قم، موسسه اسماعیلیان.

۴۸. مولوی، مهران (۱۳۹۶)، قاعده ربوس (تغییر اوضاع واحوال در حقوق بین الملل، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی دوره ۳، شماره دو.

۴۹. مهرعلیان، خسرو، دیوسالار، بیت الله، مولائی، فخراله، نوسانات اقتصادی و آثار آن بر تعهدات متعاملین، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، ش ۳۷.

۵۰. ناصری لاریجانی، نغمه (۱۳۸۹)، تعامل حقوق معاهدات و حقوق مسئولیت بین المللی در توجیه عدم ایفای تعهدات بین المللی، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۴۲.

۵۱. نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۷۶)، آثار قوه قاهره و انتفای قرارداد، مجله حقوقی بین المللی.

۵۲. نوری، محمدعلی (۱۳۸۷)، اصول قراردادهای بازرگانی بین المللی ایران، تهران، کتابخانه گنج دانش.

۵۳. یزدان فام، محمود (۱۳۸۷)، تحریم های بین المللی و امنیت ملی ج.ا.ایران، فصلنامه مطالعات (۴) راهبردی، ۹.

۵۴. یزدانیان، علیرضا، تعدیل تعهدات قراردادی بر پایه اصول وقواعد در فقه اسلامی، فصلنامه مقالات، دفتر ۸۲.

۵۵. Brunner.c.force Majeure and Hardship under Gennera contrac principles Exemption forgone performance in international Arbitration Alphen and den Rijn Kluwer law international, ۲۰۰۹.

۵۶. Carlsen, Anja (۱۹۹۸) can, the, Hardship, provion in the UNIDROIT, principles, be Applied when the CISG ls the Govening Law? n, IV, D, <http://wwwCISG.Law.pace.edu/CISG/biblio/carlsen.html>.

۵۷. Carbonnier, (Jean) Droit civil.les obligation.T.۴, ۲۱.ed.presses universities de France. ۱۹۹۸.

۵۸. (۱۹۸۶), uniform sales law-the ulv-convention on contracts for the international sale of goods, vienna(Manz), <http://cisg.law pace endu/biblio/ Schlechtriem Html>.

۵۹. Schwenzer, ingeborg/ fountoulakis, Christiana. (۲۰۰۷), international sales law, London, Routhledge-Cavendish.

۶۰. Stoll, Hans, (۱۹۹۸) in commentary on the UN convention on the international sale of good (CISG), Schlechtreim Peter (led), z Ed, Oxford, Claren doneness.

۶۱. Honnold, John. (۲۰۰۹), uniform law for international sale the studies deliberations and decision that led to the ۱۹۸۰ United Nations convention with introductions and Explanations, Deventer, klu wer law and taxation Publisher.